مطالعات تاریخ اسلام
سال دهم/ شمارهٔ ۳۸/ پاییز ۱۳۹۷

چپاول و غارت تبریز در دوران استبداد صغیر
مطالعهٔ موردی: اموال کمپانی زیگلر

سجاد حسینی [۱]
جعفر آقازاده [۲]
حمیده آرمون [۳]

چکیده: جنگ‌های داخلی و محاصرهٔ تبریز در ایام استبداد صغیر موجب رواج ناامنی و گسترش هرج و مرج در آن شد. فقدان امنیت ضربهٔ سهمگینی بر پیکرهٔ اقتصاد شهر وارد ساخت. در فضای آشوب‌زدهٔ تبریز بسیاری از شرکت‌های بزرگ داخلی و خارجی دچار خسارات فراوانی شدند. نمایندگی کمپانی انگلیسی-سوئیسی زیگلر در تبریز که در این ایام پررونق‌ترین فعالیت‌های اقتصادی خود در ایران را تجربه می‌نمود، یکی از این آسیب‌دیدگان بود. بخش قابل توجهی از خسارات وارده بر کمپانی زیگلر در جریان چپاولگری‌های نیروهای حکومتی به سرکردگی رحیم‌خان چلبیانلو و شکرالله خان شجاع نظام مرندی به بار آمد. اموال موجود در انبارها و نمایندگی‌های کمپانی‌های خارجی مستقر در تبریز و از آن جمله کمپانی زیگلر در جریان جنگ‌های داخلی تبریز توسط قوای دولتی به تاراج رفت. استقرار این انبارها و نمایندگی‌ها در بازار تبریز (مغازه‌های مجیدالملک) و قرار گرفتن بازار در سرحد محلات مشروطه‌خواه و دولتی بر میزان این چپاولگری افزود. بخش دیگری از این خسارات در راه‌های منتهی به تبریز، خصوصاً مسیر ارتباطی تبریز با عثمانی (تبریز-طرابوزان) و تبریز با روسیه (تبریز-جلفا) وارد شد. تحت تأثیر هرج و مرج و ناامنی حاکم بر ایالت آذربایجان دوران استبداد صغیر، بخش اعظمی از مرسولات پستی و اموال کاروان‌های تجاری در مسیرهای مذکور به یغما رفت. قسمت قابل توجهی از این مرسولات و اموال متعلق به کمپانی‌های خارجی و از آن جمله کمپانی زیگلر بود. این یغماگری‌ها اعتراضات سفارت‌ها و کنسولگری‌های دولت‌های اروپایی همچون بریتانیا، آلمان و فرانسه را موجب شد. این دولت‌ها و در رأس آن بریتانیا در راستای استیفای حقوق از دست رفتهٔ کمپانی‌های متضرر خصوصاً کمپانی زیگلر نهایت تلاش و پیگیری خود را به‌کار بستند. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی و به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی ضمن مطالعهٔ پیشینهٔ فعالیت‌های اقتصادی کمپانی زیگلر در تبریز، به بررسی زیان‌های مادی وارده بر این شرکت در جریان جنگ‌های داخلی تبریز در ایام استبداد صغیر بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تبریز، انقلاب مشروطه، جنگ‌های داخلی، کمپانی زیگلر، چپاول و غارت

---

۱ استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی(نویسنده مسئول) s.hoseini@uma.ac.ir
۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی. J.agazadeh@gmail.com
۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی. Armoon1370@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۲ تاریخ تایید: ۹۷/۰۴/۰۹

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

Plundering and Looting Tabriz during the Minor Tyranny Period
Case Study: Ziegler & Co. Properties

Sajjad Hoseini[1]
Jafar Aghazadeh[2]
Hamideh Armoon[3]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

Abstract: Civil wars and the siege of Tabriz during the Minor Tyranny period caused widespread insecurity and spread of chaos. Insecurity has hit a strike on the Tabriz' economy. In the turbulent atmosphere of Tabriz, many large domestic and foreign companies suffered great losses. One of the damaged companies was the agency of the Anglo-Swiss Ziegler & Co. in Tabriz, which during this period experienced its most prosperous economic activities in Iran. A significant portion of the damage sustained by Ziegler & Co. was caused by the plunder of government forces headed by Rahim Khan Chelbianlou and Shokrullah Khan Shoja Nezam Marandi. The properties in the warehouses and representative offices of foreign companies based in Tabriz, including Ziegler & Co., was plundered by government forces during the Tabriz civil war. The deployment of these warehouses and dealers in the Tabriz market (Majid Al-Mulk shops) and location of the market between constitutional and state forces intensified the level of this plunder. Another part of these damages came to the roads leading to Tabriz, especially the Tabriz-Ottoman (Tabriz- Trabzon) and Tabriz-Russia (Tabriz-Jolfa) routes. Due to the chaos and insecurity prevailing in the state of Azerbaijan during the Minor Tyranny period, much of the postal items and properties of the caravans in the abovementioned routes were looted. A significant portion of these items and properties belonged to foreign companies, including Ziegler & Co. This looting caused the protests of embassies and consulates of European governments such as Britain, Germany and France. These governments, and at the top of them, the British Government, worked hard to enforce the rights of the affected companies, especially Ziegler & Co. The present study seeks to investigate the material losses suffered by the company during the civil wars via library and archival resources and in a descriptive-analytical method, while studies the economic activities of Ziegler & Co. in Tabriz during the days of Minor Tyranny.

Keywords: Tabriz, the Constitutional Revolution, civil wars, Ziegler & Co., plundering and looting

1 Assistant Professor, University of Mohaghegh Ardabili (corresponding author), s.hoseini@uma.ac.ir
2 Associate Professor, University of Mohaghegh Ardabili J.agazadeh@gmail.com
3 MA in History of Iran in the Islamic Era, University of Mohaghegh Ardabili Armoon1370@gmail.com

مقدمه

آذربایجان و مرکز آن تبریز از گذشته‌های دور تاکنون یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی ایران به‌شمار می‌آید. عوامل متعددی چون واقع شدن در شاهراه ارتباطی شرق و غرب، استقرار در سرحدات شمال غربی ایران، جغرافیا و اقلیم مساعد برای تولیدات کشاورزی و دامی، تفوق کمّی و کیفی جمعیت، تصاحب مکرر مرکزیت سیاسی دودمان‌های حکومتگر و ... زمینه‌ساز این برتری اقتصادی بوده است.

دورهٔ قاجار را باید یکی از پررونق‌ترین ادوار اقتصادی آذربایجان و تبریز قلمداد کرد. در این دوره نه تنها دیگر خبری از ناامنی‌های حاصل از جنگ‌های ایران و عثمانی دوران صفویه و جنگ‌های ایران و روس اوایل قاجار نیست، بلکه همجواری با دو دولت عثمانی و روس، آذربایجان و تبریز را به قطب تجارت خارجی ایران مبدل ساخته است. در این برههٔ زمانی طبیعت نیز بسان دوره‌های قبل نامهربانی نمی‌کند و حوادث طبیعی سهمناک چون زلزله‌های ویرانگر تبریز دوره‌های پیش تکرار نمی‌گردد.

چنین موقعیت ممتازی نظر دولت روسیه و کشورهای اروپایی را به جانب آذربایجان و تبریز متوجه ساخت. در فضای مساعد عهد ناصری دولت‌های مذکور خود را به تبریز رساندند و تجارتخانه‌های خرد و کلان روسی و اروپایی در این شهر ایجاد شد. کمپانی انگلیسی—سوئیسی زیگلر[1] یکی از همین تجارتخانه‌ها است. عمده فعالیت‌های این کمپانی در تبریز معطوف صنایع قالی‌بافی بود. نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز در آستانهٔ دوران استبداد صغیر و جنگ‌های داخلی تبریز از رونق بسیار بالایی برخوردار بود. در این دوران ناامنی‌ها و هرج و مرج‌های به‌وجود آمده موجب غارت اموال کمپانی شد. بخش اعظمی از این خسران مادی در نتیجه تاراج نیروهای نظامی طرفدار محمدعلی‌شاه قاجار انجام گرفت.

این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و به شیوهٔ توصیفی–تحلیلی ضمن بازسازی بخشی از تاریخ اقتصادی شهر تبریز، در جهت پاسخگویی به این سؤال برآید که که ناامنی حاکم بر شهر تبریز و ایالت آذربایجان در دورهٔ استبداد صغیر چه تأثیری بر فعالیت کمپانی زیگلر داشت؟ در پاسخ به این سؤال این چنین مفروض است که ناامنی‌های حاکم بر شهر تبریز و ایالت آذربایجان در دوران استبداد صغیر موجب غارت اموال کمپانی

1 Ziegler.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

زیگلر در شهر تبریز و راه‌های منتهی به آن شد و زمینهٔ رکود فعالیت‌های اقتصادی این کمپانی را فراهم ساخت.

پیشتر موضوع فعالیت‌های نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز، زیان‌های وارده بر آن در دوران جنگ‌های داخلی تبریز و در نهایت فرار سرمایهٔ این شرکت از تبریز به صورت اختصاصی مورد مطالعه قرار نگرفته است. با این حال در بخش‌هایی از کتاب‌های بهروز خاماچی، پژوهشگر تاریخ محلی تبریز، مانند اوراق پراکنده تاریخ تبریز و بازار تبریز در گذر تاریخ، اطلاعات پراکنده و اندکی در این خصوص ارائه شده است.[۱]

همچنین آنت ایتیگ، در مقاله‌ای با عنوان «شرکت فرش زیگلر سلطان آباد»، ضمن بررسی عملکرد کمپانی زیگلر در سلطان آباد به صورت مجمل به فعالیت‌های این کمپانی در سایر نواحی و از آن جمله تبریز پرداخته است. هرچند اطلاعات این مقاله در خصوص نمایندگی تبریز کمپانی زیگلر اندک است، اما داده‌های آن در خصوص پیشینه فعالیت‌های زیگلر در پیش از آغاز به کار نمایندگی تبریز برای پژوهش حاضر سودمند خواهد بود.[۲] ژانت آفاری در کتاب *تاریخ مشروطه ایران* در مبحث مربوط به جنگ‌های داخلی تبریز، از صدمات وارده بر اقتصاد این شهر سخن به میان آورده است. او در گزارش‌های خود از خسران مادی شرکت‌های خارجی فعال در تبریز به صورت کلی و بدون اشاره به کمپانی زیگلر بحث کرده است.[۳]

جنگ‌های داخلی تبریز

شهر تبریز و ایالت آذربایجان نقش ویژه‌ای در گسترش اندیشهٔ آزادی‌خواهی و مبارزه با استبداد در دوران انقلاب مشروطه ایفا نمود. نخستین دوره از مجلس شوراری ملی شاهد نقش‌آفرینی برجستهٔ نمایندگان این ایالت بود. این کارنامهٔ درخشان در راه تحقق آرمان مشروطه، دشمنی محمدعلی‌شاه را با آزادی‌خواهان آذربایجان برانگیخت. شاه مستبد قاجار با برقراری پیوند نزدیک با خوانین محلی آذربایجان در پی کاهش قدرت مشروطه‌خواهان این ایالت برآمد. با به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق./ ۲۳ ژوئن

---

۱ بهروز خاماچی (۱۳۷۵)، *بازار تبریز در گذر تاریخ*، تبریز: آشینا، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، ص۱۹۴؛ بهروز خاماچی (۱۳۸۴)، *اوراق پراکنده تاریخ تبریز*، تبریز: فروغ آزادی، ص ۳۹۶.

2 Annette Ittig (1992), "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", *Iranian studies*, V. 25, NO. 1-2, pp. 103-110.

۳ ژانت آفاری (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱*، ترجمهٔ رضا رضایی، تهران: بیستون، صص۲۸۴-۲۹۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

۱۹۰۸م. بساط مشروطه در دیگر شهرهای ایران برچیده شد و کشاکش دو سالهٔ مشروطه و استبداد با پیروزی موقت مستبدین به پایان رسید. اگر در دورهٔ مجلس اول اکثریت مردم ایران در برابر استبداد می‌جنگیدند، در این دوره تنها شهر تبریز بود که مشعل آزادی را شعله‌ور نگه داشت. محمدعلی‌شاه ضمن محاصرهٔ تبریز، تمام نیروی مادی و معنوی طرفداران خود را برای سرکوب مجاهدان مشروطه‌خواه این شهر به‌کار بست. هر چند مرکز اصلی درگیری‌ها شهر تبریز بود، با این وجود دیگر شهرهای ایالت آذربایجان نیز تحت تأثیر هیجانات آن قرار داشتند. در شرایط عدم استقرار حکومت مرکزی در تبریز و سرایت جنگ‌های تبریز به دیگر شهرهای آذربایجان، ناامنی و هرج و مرج به‌وجود آمده نه تنها فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را دچار رکود کرد بلکه باعث چپاول و غارت سرمایه‌های شرکت‌های داخلی و خارجی فعال در این شهر شد.

جنگ‌های داخلی تبریز را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: در مرحلهٔ نخست، شهر به محلات مشروطه‌خواه و دولتی مبدل شد. محلات مشروطه‌خواه در جنوب رود مهران‌رود (میدان چای) و محلات دولتی در شمال آن قرار داشتند. تنها مورد استثناء در این خصوص، محله امیرخیز (امیره قیز) بود که با وجود واقع شدن در شمال رود مذکور از آرمان مشروطیت حمایت می‌کرد. علاوه بر محلهٔ امیرخیز دیگر محلات مشروطه‌خواه تبریز چون خیابان و نوبر از حمایت انجمن ایالتی برخوردار بودند. محلات دولتی نیز با سرکردگی محلهٔ سرخاب و شتربان تحت حمایت کنسول روس و انجمن اسلامیه قرار داشتند. درگیری‌های چند هفته نخست مشروطه‌خواهان و دولتیان تبریز با پیروزی مشروطه‌خواهان به پایان رسید.

در مرحلهٔ دوم، قشون سلطنتی به سرکردگی عین‌الدوله، حاکم جدید آذربایجان، وارد عمل شدند. فرمانده نظامی این نیروها، محمدولی خان تنکابنی بود که سلسله حمله‌های او از خارج شهر همواره با مقاومت مشروطه‌خواهان روبه‌رو شد و هیچگاه قرین توفیق نگشت. در مرحلهٔ سوم، که از لحاظ زمانی سه ماه پایانی محاصرهٔ تبریز را شامل می‌شد، آذوقه و مواد غذایی در شهر به پایان رسید[1] و بسیاری از گرسنگی و بیماری جان دادند؛ اما شهر را تسلیم نیروهای

۱ در بخشی از گزارش‌های سفارت بریتانیا در خصوص اوضاع قحطی و گرسنگی در تبریز ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۷ق./۱۹ آوریل ۱۹۰۹م. چنین آمده است: «امروز نان خیلی کساد بود و تا فردا باز کمیاب خواهد شد ... زن‌ها در یک امامزاده‌ای جمع شده برای نان فریاد و فغان می‌کنند» ر.ک: *کتاب آبی گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران*، (۱۳۶۳)، ج۲، به‌کوشش احمد بشیری، تهران: نو، ص ۴۸۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

دولتی نکردند. جنگ‌های داخلی و محاصرهٔ تبریز با مداخله قشون روسیه به پایان رسید.[۱]

هر چند محاصرهٔ تبریز توسط مجموعه‌ای از برجسته‌ترین رجال دولتی وقت تحقق یافت، با این احوال بخش اعظمی از عملیات نظامی با هدف محدود ساختن هر چه بیشتر مشروطه‌خواهان تبریز توسط دو تن از حکام و خوانین محلی- شکرالله خان شجاع نظام مرندی و رحیم‌خان چلبیانلو- صورت پذیرفت.

قتل و غارت و ایجاد رعب و وحشت در دل هواداران مشروطه از مهم‌ترین تاکتیک‌های مبارزاتی هواداران استبداد در تبریز و آذربایجان بود.[۲] بخش اعظمی از نیروهای حکام و خوانین محلی وابسته به محمدعلی‌شاه از عشایر و روستاییان منطقه بودند که با بی‌اطلاعی از مفهوم استبداد و مشروطه، در راستای تأمین منافع شخصی خود گام برداشتند و در صورت فراهم بودن زمینه از هرگونه غارت و چپاول اموال و سرمایه‌های موجود در شهر دریغ نکردند.[۳] بستن راه‌های ارتباطی تبریز، از دیگر راهکارهای مبارزاتی مستبدین برای به زانو درآوردن مجاهدان مشروطه‌خواه تبریز بود.

مبارزات شجاع نظام علیه مشروطیت در داخل شهر تبریز و در راه‌های منتهی به شهر خصوصاً راه مهم و استراتژیک جلفا- تبریز مشهود بود.[۴] وی در تمام نامه‌هایش به دربار تهران خود را «غلام خانه‌زاد» محمدعلی‌شاه معرفی نمود و این گفته را در عمل با کشتار مشروطه‌خواهان و غارت اموال ایشان به اثبات رساند.[۵] نیروهای مشروطه‌خواه طی نقشه‌ای با

---

۱ مخبرالسلطنه مهدیقلی هدایت، (۱۳۶۳)، *گزارش ایران*، مقدمهٔ سعید وزیری، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران: نقره، ص۲۱۴؛ احمد کسروی (۱۳۹۲)، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، تهران: نگاه، ص۲۵۰؛ ژانت آفاری (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱*، ترجمهٔ رضا رضایی، تهران: بیستون، ص۲۷۹؛ عبدالحسین نوایی (۲۵۳۵)، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: بابک، ص ۷۳؛ ادوارد براون (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمهٔ مهری قزوینی، تهران: کویر، ص۲۲۲؛
Edward Browne (1912), *The reign of terror at Tabriz*, Manchester: Taylor, Garnett, Evans & Co., pp. 16-17.

۲ محمد باقر ویجویه‌ای (۱۳۸۶)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۵.

۳ حیدرخان عمواوغلی (۱۳۹۲)، *خاطرات حیدرخان عمواوغلی همراه با تقریرات منتشرنشدهٔ حیدرخان به خط علی‌اکبر داور*، به کوشش ناصرالدین حسین زاده، تهران: نامک، ص ۱۱۴؛ مهدی ملک‌زاده (۱۳۸۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: سخن، ص ۱۱۱۳؛ آفاری، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱*، ص ۲۸۶.

۴ این راه نزدیک‌ترین و سهل الوصول‌ترین راه ارتباطی بین تبریز و اراضی روسیه و اروپا به شمار می‌آمد. علاوه بر کالاهای اساسی چون نفت، قند، کبریت؛ بخش قابل توجهی از سلاح، مجاهدان قفقازی و اندیشه آزادیخواهی از همین راه به تبریز می‌رسید. ر.ک: احمد کسروی (۱۳۸۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیر کبیر، ص۸۰۰؛ اسماعیل امیر خیزی (۱۳۷۹)، *قیام آذربایجان و ستارخان*، تهران: نگاه، ص ۲۹۲.

۵ سید حسن تقی‌زاده (۱۳۷۲)، *زندگی طوفانی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی، ص ۱۱۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

ارسال بمبی در داخل یک بسته پستی به خانه شجاع نظام در مرند و انفجار آن در ۱ شوال ۱۳۲۶ق./ ۲۷ اکتبر ۱۹۰۸م. به عمر او پایان دادند. پس از مرگ شجاع نظام، محمدعلی شاه قاجار سریعاً فرزند وی موسی‌الرضا را با لقب شجاع نظامی به حکومت مرند گماشت.[۱]

راهزنی و قطاع الطریقی بارزترین شاخصهٔ شخصیتی رحیم‌خان چلبیانلو محسوب می‌گشت. رحیم‌خان در آغازین روزهای انقلاب مشروطیت در زندان محمدعلی‌شاه به سر می‌برد. شاه قاجار با هدف سرکوب مجاهدان مشروطه‌خواه تبریز، رحیم‌خان را از زندان آزاد و به تبریز گسیل داشت.[۲] محمد آقا ایروانی توصیف جالبی از مأموریت رحیم‌خان در تبریز دارد: «رحیم‌خان قراداغی را که مدتی در طهران محبوس و مقید [بود] و تازه معفو و خلاص شده بود، ایضاً محرمانه به تبریز فرستاده، اذن و تعلیم داد که رفته، از قتل و غارت و اسر اهل تبریز ذره‌ای فروگذار نکرده، آنچه در قوه دارد و می‌تواند در اضرار و اذیت به اهل تبریز ساعی باشد».[۳]

زیگلر در تبریز

بازرگانی خارجی ایران در دورهٔ قاجار گرچه موجب تضعیف صنایع سنتی ایران شد، اما بر رونق صنایعی که خواهان خارجی داشت، افزود. از جملهٔ این صنایع می‌توان به صنعت قالی‌بافی اشاره کرد. پیش از این قالی‌بافی عمدتاً یک صنعت ایلی یا روستایی به منظور مصرف داخلی و یا صنعتی شهری برای مصرف نخبگان ایرانی بود، اما از اواسط قرن نوزدهم میلادی نفوذ رو به رشد فرش ایران در اروپا و آمریکا به تقاضای آن در بازار افزود و پیشرفت کشتیرانی بخاری هزینهٔ بالای حمل آن را بسیار کاهش داد. سرمایه‌داران انگلیسی، روسی و آلمانی در این صنعت سرمایه‌گذاری کردند و کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگی که گاه صدها کارگر داشتند در ایران به‌کار افتاد. میزان تولیدات فرش ایران به خاطر بازار بین‌المللی خوب و تقریباً انحصاری بسیار بالا رفت و در آستانهٔ جنگ جهانی اول ارزش صادرات فرش تقریباً

---

۱ کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، صص ۸۰۰-۸۰۳؛ ویجویه‌ای، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، صص۲۲۳-۲۲۴؛ قهرمان میرزا سالور عین‌السلطنه (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج۳، تصحیح مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: اساطیر، ص ۲۲۰۱؛ عبدالله مستوفی (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من*، ج۲، تهران: زوار، ص ۲۶۴.

۲ براون، *انقلاب مشروطیت ایران*، ص ۱۴۵؛ احمد مجدالاسلام کرمانی (۲۵۳۶)، *تاریخ انحطاط مجلس*، تصحیح محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان، صص ۶۶-۶۷.

۳ محمد آقا ایروانی (۱۳۸۰)، *«[منتخبات از] تاریخ مشروطه ایران»*، دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران، به اهتمام عبدالحسین زرین‌کوب، روزبه زرین‌کوب، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ص ۹۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

به یک هشتم کل صادرات ایران رسید.[۱]

شعبه‌ای از کمپانی واردات و صادارات سویسی ف. زیگلر در سال ۱۸۵۵م. در منچستر تأسیس شد. در سال ۱۸۵۷م. ژوهان فیلیپ زیگلر سویسی به سرپرستی این نمایندگی منصوب شد. شرکت زیگلر که سویسی‌الاصل بود و فعالیت‌های تجاری خود را از تبریز با واردات قماش منچستر و صادرات ابریشم گیلان در دهه ۱۲۶۶ق./۱۸۵۰م. آغاز نمود و پس از ثبت شرکت در لندن رسماً تحت حمایت دولت بریتانیا قرار گرفت.[۲] این شرکت منسوجات پارچه‌ای را بیشتر از راه قفقاز و طرابوزان وارد ایران می‌کرد و مقر اصلی آنها در تبریز کار توزیع را در سرتاسر ایران انجام می‌داد. کمپانی زیگلر بیشتر کالاهای وارداتی خود را به تجار داخلی ایران می‌فروخت و بازرگانان ایرانی محصولات مذکور را در کل کشور پخش می‌کردند. این کمپانی در ازای وارادات منسوجات پارچه‌ای به ایران، تریاک و ابریشم ایرانی را دریافت و از ایران صادر می‌کرد. شیوع بیماری کرم ابریشم در دهه ۱۸۶۰م. باعث روی آوری کمپانی زیگلر به سرمایه‌گذاری در حوزهٔ فرش شد. با افزایش تقاضا برای فرش ایرانی در بازارهای اروپایی، تمایل زیگلر برای تولید و صادرات فرش ایرانی بیشتر گشت.[۳]

کمپانی زیگلر علاوه بر تبریز دارای شعبی در سلطان‌آباد (اراک)، اصفهان، تهران، مشهد، یزد، رشت، بوشهر و شاهرود بود. این کمپانی از طریق واسطه‌هایی که در این شهرها داشت، فرش‌های نفیسی سفارش داده، می‌خرید و بیشتر به آلمان و انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی صادر می‌کرد.[۴] کمپانی زیگلر به صورت تخصصی صنعت قالی‌بافی را در تبریز و سایر مناطق ایران دنبال می‌کرد. طبق روش زیگلر تهیه نقشه و طرح قالی بر عهدهٔ بهترین نقاشان و

---

۱ پیتر آوری و دیگران (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران (دورهٔ افشار، زند و قاجار) از مجموعهٔ تاریخ کمبریج*، ترجمهٔ مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی، صص ۴۹۸-۴۹۹؛ جان فوران (۱۳۸۵)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویا تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمهٔ احمد تدین، تهران: رسا، صص ۱۹۷-۱۹۸.

۲ جورج ناتانیل کرزن (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، ج۱، تهران: علمی فرهنگی، ص۶۷۳؛ احمد اشرف (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دورهٔ قاجاریه*، تهران: زمینه، ص ۵۳؛

R. P. T Davenport-Hines & Geoffrey Jones (1989), *British Business in Asia Since 1860*, New York: Cambridge University Press, pp. 34.

3 Ittig, "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", pp. 105- 108.

۴ چارلز عیسوی (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: گستره، ص۲۲۵؛ کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ج۲، ص۶۸۳؛ سید محمد علی جمال‌زاده (۱۳۸۴)، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: سخن، ص۵۴؛ *کتاب آبی گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران*، ج۱، صص ۱۲۶، ۲۱۸؛

Michael Helfgott (1994), *Ties that bind: a social history of the Iranian carpet*, Washington: Smithsonian Institution, pp. 213, 214; J. Bloom, Sh Blair (2009), *The Grove Encyclopedia of Islamic Art and Architecture*, V1, Oxford: Oxford university press, pp. 288.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

طراحان بود. طرح‌های مذکور باید مبتنی بر ذائقهٔ خریداران اروپایی باشد. پس در طرح‌های اصیل ایرانی دخل و تصرف‌هایی صورت می‌پذیرفت. رنگ‌آمیزی و ریسیدن خامه در محل کارگاه انجام می‌یافت و بافتن آن گاه در خانه‌ها و گاه در کارگاه‌های متمرکز به‌وسیله مردان و زنان قالی‌باف صورت می‌گرفت.[۱] رمز موفقیت زیگلر در تصاحب بازارهای اروپایی، طراحی نقشه‌های فرش مطلوب اروپاییان بود. اقدامات این کمپانی نقش مهمی در توسعهٔ صنعت قالی‌بافی ایران ایفا نمود و از این زمان فرش ایران به صورت تجاری درآمده و طرح‌های نفیس و ابریشمی مطابق میل بازارهای اروپا طراحی و تولید گردید و حتی در رنگ و اندازه فرش‌های تولیدی تحولات زیادی رخ داد.[۲]

این کمپانی در زمینهٔ خرید آثار هنری نفیس ایرانی نیز فعال بود. نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز بر اساس فرمان ملکه ویکتوریا در اواخر قرن ۱۹م. در راستای جمع‌آوری آثار و نفایس هنری ایران و انتقال آن به موزهٔ ویکتوریا اند آلبرت لندن، وارد عمل شد و با آگاهی از وجود فرش نفیسی در بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی و قصد فروش آن توسط متولیان بقعه جهت تأمین هزینهٔ بازسازی سقف فروریختهٔ دارالحفاظ، اقدام به خرید این شاهکار هنری و انتقال آن به موزهٔ مذکور کرد.[۳]

این کمپانی مغازه‌ها، کارگاه‌ها و املاک متعددی در تبریز داشت که سه مورد از آن قابل شناسایی است: (۱) نمایندگی زیگلر در محل مغازه‌های مجیدالملک یا مجیدیه واقع در شمال مهران‌رود (میدان چایی) و غرب پل قاری (قاری کورپوسی)؛[۴] (۲) اقامتگاه کارکنان اروپایی زیگلر در محله موسوم به «زیغلار»[۵] واقع در انتهای کوی ارمنی‌نشین بارون آواک (بارناوا)؛[۱]

---

۱ سهراب یزدانی (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی، صص ۱۸-۱۹؛ س.ج.و. بنجامین (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*، ترجمهٔ محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان، ص ۳۱۹.

2 Helfgott, *Ties that bind: a social history of the Iranian carpet*, pp. 356; L. Daniel Elton, ʿAlī Akbar Mahdī, (2006), *culture and customs of Iran*, London: Greenwood, pp. 143.

۳ فردریک چارلز ریچاردز (۱۳۷۹)، *سفرنامهٔ فرد ریچاردز*، ترجمهٔ مهین دخت بزرگمهر، تهران: علمی فرهنگی، ص ۳۱۵؛ فردریش زاره (۱۳۸۵)، *اردبیل: بقعهٔ شیخ صفی*، ترجمهٔ صدیقه خوانساری موسوی، تهران: فرهنگستان هنر، ص ۷۱.

۴ در نقشه موسوم به «خریطه شهر تبریز در حال انقلاب» ترسیم یافته در سال ۱۳۲۶ق./ ۱۹۰۸م. محل مغازه‌های مجیدالملک کاملاً مشهود است. ر.ک: فرهاد فخار تهرانی و دیگران (۱۳۸۵)، *بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*، تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، ص ۸۲.

۵ «زیغلار» تلفظ محلی واژه «زیگلر» است. لغت «زیغلار» در زبان ترکی آذربایجانی به معنی توده گل و لای است و این تشابه به هنگام بررسی وجه تسمیه بدون مطالعه تاریخ و پیشینه این محله گمراه‌کننده است. ر.ک: خاماچی، *اوراق پراکنده تاریخ تبریز*، صص۱۹۳-۱۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

(۳) کارگاه قالیبافی زیگلر واقع در خیابان صائب.[۲]

زیگلر و مشروطه

انسداد راه‌ها و ناامنی‌های حاکم بر آذربایجان و تبریز دوران استبداد صغیر و جنگ‌های داخلی تبریز، هرگونه فعالیت اقتصادی در این منطقه و شهر را مختل ساخت. در چنین فضایی بسیاری از شرکت‌ها و کمپانی‌های داخلی و خارجی از آذربایجان و تبریز رخت بربستند و آنان که ماندند و یا نتوانستند خارج شوند، متحمل ضررهای مادی بسیاری شدند. نمایندگی کمپانی زیگلر در تبریز را باید یکی از این کمپانی‌های خارجی متضرر دانست.

زیان‌های اقتصادی وارد بر کمپانی زیگلر تبریز را می‌توان به زیان‌های اقتصادی وارده در داخل شهر و زیان‌های اقتصادی وارده در راه‌های منتهی به شهر تقسیم نمود. بخش اعظمی از زیان‌های اقتصادی وارده بر زیگلر در داخل شهر تبریز، زمانی رخ داد که درگیری نیروهای مشروطه‌خواه و دولتی به حوالی بازار تبریز کشیده شد. خصوصاً اینکه بازار درست در میانه محلات مشروطه‌خواه و دولتی قرار داشت و به خاطر این موقعیت، گهگاه به خط مقدم جنگ‌های داخلی تبریز مبدل می‌شد. کشیده شدن زبانه‌های آتش درگیری به بازار، امنیت را از آن سلب کرد. بسیاری نیز مترصد چنین هرج و مرجی بودند تا از قبل تاراج و یغماگری، منافع مادی خود را تأمین نمایند. کسروی در این باره می‌نویسد: «تبریز یک شهر بازرگانی است و بازارهای بسیار و سراهای بزرگ پر از کالاهای بازرگانی می‌داشت، و این بود سواران و سربازان همیشه در آرزوی دست یافتن به آنجا و تاراج کردن می‌بودند، و هر زمان که فرصت می‌یافتند خود را به آنجا می‌رسانیدند».[۳]

گزارش منابع طرفدار مشروطه حاکی از وجود تعداد قابل توجهی از افراد مترصد تاراج‌گری در میان نیروهای مسلح تحت لوای شجاع نظام و رحیم‌خان است. این گفته با توجه به تعدد گزارش‌های موجود در منابع تاریخ‌نگاری مشروطه، مطابقت آن با اسناد و

---

۱ دولت‌های مسیحی اروپایی و امریکایی و هچنین شهروندان ساکن ایشان در تبریز همواره نمایندگی‌های سیاسی و مؤسسات اقتصادی و فرهنگی خود را در کوی‌های مختلف محله ارمنی‌نشین تبریز موسوم به «ارمنستان» ایجاد می‌نمودند. بی‌تردید این اقدام از حسیات مذهبی آنان سرچشمه می‌گرفت و اینکه ایشان احساس می‌کردند که زندگی در میان اقلیت مسیحی یک جامعه مسلمان می‌تواند تأمین کننده منافع مسیحیان داخلی و خارجی باشد.

۲ خاماچی، *اوراق پراکنده تاریخ تبریز*، صص۱۹۳-۱۹۴.

۳ کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، ص ۷۱۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

مدارک موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و همچنین خاستگاه و سابقهٔ قطاع الطریقی بسیاری از این دسته‌های نظامی وابسته به محمدعلی‌شاه در آذربایجان، خصوصاً نیروهای تحت انقیاد رحیم‌خان، قابل قبول است.

ویجویه‌ای تبدیل نزاع مشروطیت و استبداد به تاراج بازار تبریز را این چنین توصیف می‌کند: «اکثر سواره‌ها که به تاراج داخل بازار می‌شوند، مجاهدین تیراندازی و سواره‌ها مقابله به مثل می‌نمایند. از صدای تفنگ و واهمه گلوله به بازار داخل شدن امکان ندارد؛ و بسیاری از سواره‌ها در بازار به قتل می‌رسند. و سنگرهای مخصوص در بازار بسته شده. اگر محکم سنگربندی شود بازار محفوظ خواهد شد. کسبه از بازار مال‌ها را خارج می‌نمایند».[۱] نیروهای طرفدار محمدعلی‌شاه که اغلب به امید غارت تبریز در این جنگ‌ها شرکت کرده بودند، حال که می‌دیدند مقاومت مجاهدان چنین اجازه‌ای را به آنها نمی‌دهد، بازار تبریز را طعمهٔ خوبی برای غارت در نظر گرفتند و با کشاندن نبرد به این منطقه فرصت غارت را از دست نمی‌دادند.[۲]

مهم‌ترین نبردی که در حوالی بازار تبریز رخ داد و آتش آن دامن اهل بازار اعم از کسبه داخلی و کمپانی‌های خارجی را گرفت؛ در ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ق./ ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۸م. به وقوع پیوست. این نبرد زمانی رخ داد که نیروهای دولتی از محلهٔ ششگلان و سرخاب قصد حمله به مجاهدان قفقازی را داشتند. این نبرد با شلیک گلوله‌های توپ از سوی نیروهای دولتی آغاز شد. دولتیان بعد از آن از موضع پل قاری (قاری کورپوسی) مغازه‌های نوساز موسوم به «مجیدالملک» یا «مجیدیه» را که همواره سنگر مشروطه‌خواهان بود مورد تهاجم قرار دادند. مغازه‌های مجیدالملک در جریان این درگیری‌ها طعمه حریق شد و پس از آن مورد چپاول نیروهای دولتی قرار گرفت.[۳] تصاویر موجود از این مغازه‌ها در بعد از غارتگری مذکور، نشانگر این واقعیت است که مهاجمان علاوه بر اموال، درها و پنجره‌های مغازه‌های مجیدالملک را به تاراج برده‌اند و از آن مرکز تجاری معتبر، تنها دیوارهای بدون سقف نیمه ویران و دودگرفته‌ای بیش باقی نمانده است.[۴]

تاراج کمپانی‌های خارجی هدف سرکردگان قوای دولتی نبود و این عمل به صورت

---

۱ ویجویه‌ای، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، صص ۶۷-۶۸.

۲ *قضیه فی الواقعه* (۱۳۹۰)، رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۵۱۶.

۳ خاماچی، *بازار تبریز در گذر تاریخ*، ص ۳۹۶.

۴ ابراهیم پور حسین خونیق (۱۳۹۰)، *بناها و عمارت‌های تاریخی تبریز*، تبریز: اختر، صص ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۷۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

ناگهانی و از سوی نیروهای مسلحی صورت گرفت که پیشتر دستی در یغماگری داشتند. دلیل اصلی این گفته، آسیب دیدن مغازه‌های حاجی علیقلی بیگ نوروزاف، تبعه دولت روسیه، اصلی‌ترین دولت خارجی مخالف مشروطه است. عملی که به هیچ وجه نمی‌تواند از سوی قوای دولتی تجویز شده باشد. این حادثه به‌قدری برای دولت روسیه غیرقابل تحمل بود که کنسول روس در تبریز در انتقاد از عملکرد اسلامیه‌نشینان دولتی، به مقایسهٔ امنیت بازار تبریز در زمان تسلط مشروطه‌خواهان متهم به بابی‌گری و دولتیان مدعی مسلمانی پرداخت و امنیت حاکم در دوره مشروطه‌خواهان را ستود. ثقه‌الاسلام تبریزی سخنان کنسول روس در تبریز را چنین بازگو می‌کند: «مغازه‌های ایالتی که در دست بابیه بود یک سوزن از مال رعیت داخل و خارج تلف نشد تا به دست اسلامیه افتاد اموال به غارت رفت و مغازه‌ها عالیها سافلها شد».[۱] این سخنان از سوی مؤلف ناشناخته رساله *کلمه حق یراد بها الباطل* در ۱۵ رمضان ۱۳۲۶ق. چنین بازگو شده است: «مغازه‌ها تا در دست اشخاصی بود که آنها را بابی نامیده بودند یک دینار بر ما صدمه نرسید، ساعتی که به دست اسلامیه رسید، همه چیز رعیت ما به غارت رفت».[۲] روس‌ها در ۳ شعبان ۱۳۲۷ق. به قصد دریافت غرامت از رحیم‌خان وارد قراداغ شدند و خانه وی را در اهر محاصره کردند و پس از دریافت غرامت توسط یکی از متمولان اهر، به تبریز بازگشتند.[۳]

نیروهای دولتی و رحیم‌خان که غارت‌کنندهٔ بازار تبریز بودند، با ارسال تلگرافی به شاه نه تنها به این مسئله اشاره نکردند، بلکه غارت مغازه‌های مجیدالملک را به نیروهای طرفدار مشروطه منتسب کردند.[۴] حال آنکه اگر مشروطه‌خواهان واقعاً قصد چنین کاری را داشتند، در مدتی که بازار در دست آنها بود، اقدام به غارت و چپاول آن می‌کردند. همچنین می‌توان این احتمال را داد که غارت اموال اتباع خارجی توسط طرفداران استبداد یک عمل عمدی بود، تا بهانهٔ ورود روس‌های طرفدار استبداد به تبریز را فراهم نماید. نیروهای مشروطه‌خواه با درک این خطر، تمام هم و غم خویش را معطوف به حراست از اموال شرکت‌های

---

۱ علی تبریزی(۲۵۳۵)، مجموعه آثار قلمی ثقةالاسلام شهید تبریزی، تصحیح نصرت الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی، صص ۹۲، ۲۵۵؛ میرزا علی ثقةالاسلام تبریزی (۱۳۸۹)، *رسائل سیاسی ثقةالاسلام تبریزی*، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: چشمه، ص ۱۴۵.

۲ *کلمه حق یراد بها الباطل* (۱۳۹۰)، رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۱۲۷.

۳ ناصر صدقی (۱۳۸۸)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران (قره داغ) در دوره معاصر، تبریز: اختر، ص ۱۲۱.

۴ کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، ص ۷۰۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

خارجی کردند. ستارخان از چندین شرکت اروپایی در تبریز نوشته گرفت که دفاترشان تحت حفاظت مشروطه‌خواهان است و از عملکرد قوای مشروطه‌خواه «رضایت کامل» دارند. در این میان بنگاه‌های اقتصادی وابسته به روسیه از حساسیت بسیار بالایی برخوردار بود و همواره از سوی مجاهدین مشروطه‌خواه حفاظت می‌شد.[۱]

میزان غارت از مجیدالملک به بیش از یک کرور (پانصد هزار تومان) می‌رسید.[۲] برخی از دولتیان اموال غارتی را در محلات دولتی ششگلان، باغمیشه و سرخاب به یک دهم قیمت اصلی می‌فروختند.[۳] این امر می‌تواند دو دلیل داشته باشد. نخست اینکه میزان کالاهای غارت شده بسیار زیاد بوده است. دوم اینکه یغماگران اغلب از نیروهای غیربومی قراداغ و مرند بودند و امکان نگهداری امتعه در تبریز و یا انتقال آن به موطن برایشان میسر نبود.

خسارت‌های وارده بر شرکت‌های خارجی ساکن در مغازه‌های مجیدالملک از سوی دولت‌های خارجی پیگیری شد. در این بین سفارت بریتانیا در تهران در حمایت از کمپانی زیگلر شکایت خود را به وزارت خارجه ایران ارسال داشت. در این شکایت از به تاراج رفتن بخشی از اموال کمپانی زیگلر که در نزد دلال محلی این کمپانی موسوم به مشهدی زین‌العابدین در محل مغازه‌های مجیدالملک نگهداری می‌شد، سخن به میان آمد. بر این اساس دولت بریتانیا شجاع نظام و رحیم‌خان را عامل اصلی این یغماگری دانست و بر جبران زیان‌های وارد تأکید نمود.[۴]

جدول ۱. سیاهه خسارات مادی وارده بر زیگلر تبریز در داخل تبریز

ردیف	نوع کالا	مقدار	ارزش نقدی
۱	نخ پنبه	۸ صندوق	۱۴۰۰ تومان
۲	شمع	۵۰ صندوق	۲۶۲ تومان و ۵ قران
۳	پول نقد	۲۱ تومان	۲۱ تومان
جمع کل			۱۶۸۳ تومان و ۵ قران

۱ آفاری، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶*، صص ۲۸۴، ۲۸۹.

۲ ویجویه‌ای، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، ص ۶۸.

۳ محمد تقی جورابچی (۱۳۸۶)، *حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: خاطرات حاج محمد تقی جورابچی*، تصحیح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران، ص ۱۴۹.

۴ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

پیگیری‌های دولت ایران از سه کانال وزارت خارجه، وزارت داخله و حکومت آذربایجان تداوم یافت و در این خصوص دستوری مبنی بر تحقیق از مشهدی زین‌العابدین دلال محلی زیگلر در تبریز صادر نمود. در دستور مذکور بار دیگر سیاهه خسارت مورد ادعای سفارت بریتانیا به ارزش ۱۶۸۳ تومان و ۵ قران تکرار گشت.[۱]

با به اثبات رسیدن ادعای دولت بریتانیا مبنی بر خسارت زیگلر در حادثه مغازه‌های مجیدالملک، وزارت خارجه و داخله ایران، حکومت آذربایجان را مأمور احقاق حقوق زیگلر از عاملان اصلی شجاع نظام و رحیم‌خان کرد. حکومت آذربایجان نیز طی گزارش‌هایی اعلام داشت که شجاع نظام مرندی مرده است و جانشین و وارث او شجاع نظام دوم سخت بیمار است از این رو استرداد خسارت از وی تا بهبودی به تعویق خواهد افتاد. با این احوال اردویی برای گوشمالی رحیم‌خان و بازپس گیری حقوق مربوط به زیگلر از او اعزام شد.

جدول ۲. تقویم مکاتبات در خصوص غرامت کمپانی زیگلر تبریز

رویداد	تاریخ
غارت نمایندگی زیگلر در تبریز	۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۶ق./ ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۸م.
شکایت سفارت بریتانیا از وزارت خارجه ایران و طلب غرامت	۳ شعبان ۱۳۲۷ق./۱۹ آگوست ۱۹۰۹م.
پیگیری وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله ایران و طلب خسارت از پسر شجاع نظام متوفی و رحیم‌خان	۴ شعبان ۱۳۲۷ق./ ۲۰ آگوست ۱۹۰۹م.
درخواست وزارت خارجه ایران از کارگزاری تبریز جهت تحقیق خسارت از دلال محلی زیگلر در تبریز	۹ شعبان ۱۳۲۷ق./۲۵ آگوست ۱۹۰۹م.
درخواست وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله ایران در خصوص طلب نتیجه تحقیقات درباره خسارت زیگلر از حکومت ایالت آذربایجان	۱۳ رمضان ۱۳۲۷ق./ ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹م.

۱ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش۳۲، ۴۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

ادامه جدول

رویداد	تاریخ
پاسخ حکومت ایالت آذربایجان به وزارت داخله مبنی بر مرگ شجاع نظام، بیماری فرزندش و احقاق حق بعد از بهبود، گسیل ارتش جهت گوشمالی رحیم‌خان و استرداد اموال غارتی زیگلر	۲۳ رمضان ۱۳۲۷ق./ ۱۷اکتبر ۱۹۰۹م.
پیگیری مجدد وزارت داخله ایران از حکومت ایالت آذربایجان درباره نتیجه تحقیقات و اقدامات	۸ شوال ۱۳۲۷ق./ ۲۲اکتبر ۱۹۰۹م.

بخش دیگری از زیان‌های اقتصادی وارده بر زیگلر در تبریز در اثر ناامنی راه‌های منتهی به شهر در ایام مشروطیت صورت پذیرفت. ناامن بودن راه‌ها و راهزنی قافله‌های تجارتی در ایالت آذربایجان مسبوق به سابقه بوده است. راهزنی از کاروان‌های تجارتی خارجی در آذربایجان عهد ناصری به یک بحران و مسئلهٔ عمده برای دولت قاجار بدل شده بود. این مسئله و سایر مسائل سرحدی باعث شد که ناصرالدین شاه قاجار در ۱۳۱۲ق./ ۱۸۹۵م. کارگزاری خارجه آذربایجان را به عنوان شعبه‌ای از وزارت خارجه برای رسیدگی به این امور تأسیس نماید.[۱] نکتهٔ جالب توجه اینکه یکی از نخستین مأموریت‌های این کارگزاری احقاق حق کمپانی زیگلر در خصوص سرقت بخشی از مال‌التجارهٔ این کمپانی در سال ۱۳۱۰ق./ ۱۸۹۳م. در مسیر تجاری تبریز–طرابوزان در حوالی خوی بود.[۲]

با این احوال جنگ‌های داخلی آذربایجان بر فقدان امنیت در این ایالت سرحدی و قطب تجارت و بازرگانی ایران عهد قاجار افزود و موجب ناامن‌تر گشتن مسیرهای تجاری آن برای کاروان‌های داخلی و خارجی و از آن جمله کمپانی زیگلر شد. اغلب حوادث مربوط به غارت اموال زیگلر در راه‌ها، در دو مسیر طرابوزان– تبریز و جلفا– تبریز اتفاق افتاد و به نوعی نیروهای شجاع نظام و یا رحیم‌خان در آن دخیل بودند.

بنا بر شهادت‌نامه‌ای که از سوی فردی بنام مشهدی محمد شتردار تاج احمدی در ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق./ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹م. تنظیم شده است، دزدیده شدن یک صندوق مربوط

۱ ایرج افشار (۱۳۸۰)، *دفتر تاریخ مجموعهٔ اسناد و منابع تاریخی*، ج۲، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۲۹۷.
۲ همان، ص ۳۱۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

به زیگلر تبریز توسط سوارهای رحیم‌خان در نزدیکی روستای الوار مورد تأیید قرار گرفته است.[۱] در نامه‌ای به تاریخ ۲۷ رجب ۱۳۲۷ق./ ۱۳ آگوست ۱۹۰۹م. که از سوی وزارت خارجه به کارگزار خارجه آذربایجان ارسال شده، ادعای سفارت آلمان در تهران مبتنی بر دزدیده شدن ۹ طغرا پاکت حاوی ۴۲۴ مارک پول مربوط به عامل شرکت زیگلر در تبریز مطرح گشته است. در این نامه شجاع نظام به سرقت ۵ طغرا پاکت و رحیم‌خان به دزدیدن ۴ طغرا پاکت متهم شده است.[۲]

این حقیقت در گزارش مربوط به رئیس ادارهٔ پست آذربایجان به وزارت پست و تلگراف دولت علیه ایران تکرار و تأیید می‌گردد. در بخشی از این گزارش چنین آمده است: «پاکت‌های تحت نمرات ذیل را (۶۲۵) (۶۲۶) (۷۵۶) (۷۵۷) سوارهای رحیم‌خان چلبیانلو در الوار بسرقت و غارت برده‌اند و نیز مراسلات نمرات ذیل را هم (۵۲۸) (۵۲۹) (۵۳۰) (۵۳۱)(۵۵۲) سوارهای شجاع نظام بنهب و سرقت برده‌اند»[۳]

چند ماه بعد در ۷ شوال ۱۳۲۷ق./ ۲۲ اکتبر ۱۹۰۹م. وزیر مختار آلمان در تهران از سرقت یک صندوق حاوی اسباب علاقه‌بندی در راه طرابوزان—تبریز خبر می‌دهد. این محموله که ۴۵۶ مارک و ۱۵ فینک ارزش داشت از سوی شرکت گرنر و رتسر[۴] به شرکت زیگلر در تبریز ارسال می‌شد.[۵] در سندی دیگر از دزیده شدن یک محموله پستی مربوط به کمپانی زیگلر تبریز به وزن ۱۰۶۰ مثقال در ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۶ق. در روستای گلفرج جلفا خبر داده شده است.[۶]

در ۲۴ محرم ۱۳۲۸ق./ ۴ فوریه ۱۹۱۰م. وزارت داخله طی نامه‌ای به حکومت ایالت آذربایجان از شکایت سفارت بریتانیا در تهران در خصوص دزدیده شدن یک صندوق مخمل به ارزش ۵۳ لیره و ۷ شلینگ خبر می‌دهد. متهم اصلی این قطاع الطریقی سوارهای رحیم‌خان معرفی شده‌اند.[۷]

---

۱ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۳.
۲ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پرونده ۲، ش۱۶.
۳ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پرونده ۲۸، ش۱.
4 Gorner & Rotzer.
۵ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش۴.
۶ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش ۴.
۷ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

جدول ۳. سیاهه خسارات مادی وارده بر زیگلر تبریز در راه‌های منتهی به تبریز

ردیف	نوع کالا	ارزش کالا	محل دزدی	متهم	تاریخ گزارش
۱	۱ صندوق مال قونپانیه زیگلر	----------	نزدیکی روستای الوار (مسیر طرابوزان- تبریز)	سوارهای رحیم‌خان	۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق./ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹م.
۲	۹ طغرا پاکت‌های پستی	۴۲۴ مارک	----------	سوارهای شجاع نظام سوارهای رحیم‌خان	۲۷ رجب ۱۳۲۷ق./ ۱۳ آگوست ۱۹۰۹م.
۳	صندوق حاوی اسباب علاقه‌بندی	۴۵۶ مارک و ۱۵ فینک	(مسیر طرابوزان— تبریز)	----------	۷ شوال ۱۳۲۷ق./ ۲۲ اکتبر ۱۹۰۹م.
۴	۱ فقره امانت گمپانی زیگلر به وزن ۱۰۶۰ متقال	قیمتی ندارد	گلفرج جلفا (مسیر جلفا- تبریز)	----------	۲۵ ذیقعده ۱۳۲۷ق./ ۷ دسامبر ۱۹۰۹م.
۵	۱ صندوق مخمل	۵۳ لیره و ۷ شلینگ	راه خوی- تبریز (مسیر طرابوزان-تبریز)	سوارهای رحیم‌خان	۲۴ محرم ۱۳۲۸ق./ ۴ فوریه ۱۹۱۰م.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

علاوه بر زیگلر بسیاری دیگر از کمپانی‌ها و تجار خارجی از ناامنی موجود در شهر تبریز و راه‌های منتهی به آن در عهد استبداد صغیر متضرر شدند. از آن جمله می‌توان به کمپانی‌های خارجی چون نمایندگی شرکت گُرنِز و رُتسر[۱] در شهر کمنیتس[۲] آلمان، نمایندگی شرکت کاپس و کلینر[۳] در شهر استانبول[۴]، گیریاکی و گوسلانر تجار تبعه سوئیس[۵] اشاره کرد.[۶]

بسیاری از سفارت‌های اروپایی در تهران چون سفارت بریتانیا، آلمان و فرانسه پیگیر دریافت غرامت کمپانی‌ها و تجار و از آن جمله کمپانی زیگلر بودند. فشارهای وارده بر وزارت خارجه از سوی این سفارت‌خانه‌ها به قدری بود که این وزارت طی نامه‌های متعددی کارگزاری وزرات خارجه در آذربایجان، وزارت داخله و وزارت پست و تلگراف را در خصوص ارائه گزارش دربارهٔ چند و چون وقایع و ایجاد زمینهٔ پرداخت غرامت به متضرران خارجی مأمور نمود. این پیگیری‌ها در دوران تبعید خودخواستهٔ رحیم‌خان چلبیانلو به روسیه و ترور شکرالله خان شجاع نظام مرندی صورت گرفت. در چنین حالتی مسئولیت پرداخت غرامت به وارثان ایشان انتقال یافت. فرزندان رحیم‌خان و موسی‌الرضا وارث ذکور و جانشین شجاع نظام راه پدر را در تاراج و غارتگری می‌پیمودند. لذا بحران در حاکمیت دولت مرکزی و ناامنی فراگیر در سراسر کشور به همراه بهانه‌تراشی‌های فرزندان رحیم‌خان و شجاع نظام منجر به بی‌نتیجه ماندن پیگیری‌های مذکور گردید.[۷] این مسئله ریشهٔ اصلی توقف فعالیت‌های شرکت زیگلر در تبریز و گسترش فعالیت آن در سلطان‌آباد بود که به خاطر نزدیکی به تهران و شاهراه ارتباطی ایران به بغداد از موقعیت استراتژیک و امنیت نسبی بهتری برخوردار بود.[۸]

نتیجه‌گیری

هرج و مرج و ناامنی حاکم بر آذربایجان و تبریز در دوران استبداد صغیر و جنگ‌های داخلی

---

1 Firma Görner and Rötzer.

2 Chemnitz.

3 Firma Kaps and Kleiner.

۴ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۱۰.

۵ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۵، پرونده ۱۱، ش ۶.

۶ ویجویه‌ای، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، ص ۶۸؛ علی تبریزی (۲۵۳۵)، *مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام شهید تبریزی*، تصحیح نصرت الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی، صص۹۱-۹۲، ۲۵۵؛ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۴، پروند ۱، ش ۱؛ *انجمن تبریز*، س۳، ۱۰ شوال ۱۳۲۶ق.

۷ *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه*، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۲۵، ۲۶، ۲۸.

8 Ittig, "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", pp. 109.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

تبریز، شرایط انجام هرگونه فعالیت اقتصادی را محدود ساخت. در چنین فضایی علاوه بر کسبهٔ داخلی، بسیاری از شرکت‌های خارجی حاضر در تبریز نیز دچار خسران و زیان شدند. کمپانی زیگلر یکی از این شرکت‌ها بود. زیان‌های مادی وارده بر زیگلر در تبریز به دو بخش زیان‌های وارده در داخل شهر و زیان‌های وارده در راه‌های منتهی به شهر قابل تقسیم است. در هر دو مورد نیروهای سواره تحت انقیاد شکرالله خان شجاع نظام مرندی و رحیم‌خان چلبیانلو نقش اساسی داشتند. این وضعیت نابسامان به وجود آمده برای شرکت‌های خارجی، موجب اعتراض دولت‌های بیگانه مانند روسیه و بریتانیا شد. بیم آن می‌رفت که دولت روسیه از مسئله برای ورود نظامی به ایالت آذربایجان و عرصهٔ جنگ‌های داخلی تبریز بهره‌برداری کند و مسئولیت آن را متوجه قوای مشروطه‌خواه سازد. سران مشروطه با آگاهی از این وضعیت در صدد حراست از اموال شرکت‌های خارجی مستقر در تبریز برآمدند. هرچند این تلاش‌ها نتوانست امنیت کامل شرکت‌های مذکور را تأمین کند، اما وجههٔ بسیار مثبتی از مشروطه‌خواهان در افکار دولت‌های خارجی ترسیم نمود. با ورود نیروهای نظامی روسیه به تبریز و برقراری امنیت در شهر، شرایط برای پیگیری شکایات شرکت زیگلر از طریق وزارت خارجه فراهم شد، اما با ضعف فزایندهٔ قدرت دولت مرکزی ایران و ناامنی ادامه‌دار در گوشه و کنار کشور، این اعتراضات راه به جایی نبرد.

منابع و مآخذ

- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دورهٔ قاجاریه*، تهران: زمینه.
- افشار، ایرج (۱۳۸۰)، *دفتر تاریخ مجموعهٔ اسناد و منابع تاریخی*، ج۲، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- امیر خیزی، اسماعیل (۱۳۷۹)، *قیام آذربایجان و ستارخان*، تهران: نگاه.
- *انجمن تبریز* (شوال ۱۳۲۶ق.)، س۳، ش۱۰.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامهٔ قفقاز و ایران*، ترجمهٔ علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایروانی، محمد آقا (۱۳۸۰)، «[منتخبات از] تاریخ مشروطه ایران»، *دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران*، به اهتمام عبدالحسین زرین‌کوب، روزبه زرین‌کوب، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶*، ترجمهٔ رضا رضایی، تهران: بیستون.
- آوری، پیتر و دیگران (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران (دورهٔ افشار، زند و قاجار) از مجموعهٔ تاریخ کمبریج*، ترجمهٔ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
– براون، ادوارد (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمهٔ مهری قزوینی، تهران: کویر.
– بنجامین، س.ج.و. (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*، ترجمهٔ محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان.
– پورحسین خونیق، ابراهیم (۱۳۹۰)، *بناها و عمارت‌های تاریخی تبریز*، تبریز: اختر.
– تبریزی، علی (۲۵۳۵)، مجموعه *آثار قلمی ثقةالاسلام شهید تبریزی*، تصحیح نصرت الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی.
– تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۲)، *زندگی طوفانی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی.
– ثقةالاسلام تبریزی، میرزا علی (۱۳۸۹)، *رسائل سیاسی ثقةالاسلام تبریزی*، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: چشمه.
– جمال‌زاده، سید محمد علی (۱۳۸۴)، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: سخن.
– جورابچی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: خاطرات حاج محمد تقی جورابچی*، تصحیح علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
– خاماچی، بهروز (۱۳۷۵)، *بازار تبریز در گذر تاریخ*، تبریز: آشینا، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز.
– ـــــ (۱۳۸۴)، *اوراق پراکنده تاریخ تبریز*، تبریز: فروغ آزادی.
– ریچاردز، فردریک چارلز (۱۳۷۹)، *سفرنامهٔ فرد ریچاردز*، ترجمهٔ مهین دخت بزرگمهر، تهران: علمی فرهنگی.
– رئیس‌نیا، رحیم (۲۵۳۵)، *عزیز حاجی‌بیگوف و اتحاد اسلام*، تهران: چاپار.
– زاره، فردریش (۱۳۸۵)، *اردبیل: بقعهٔ شیخ صفی*، ترجمهٔ صدیقه خوانساری موسوی، تهران: فرهنگستان هنر.
– صدقی، ناصر (۱۳۸۸)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ارسباران (قره داغ) در دوره معاصر، تبریز: اختر.
– عمو اوغلی، حیدرخان (۱۳۹۲)، *خاطرات حیدرخان عمواوغلی همراه با تقریرات منتشرنشدهٔ حیدرخان به خط علی اکبر داور*، به کوشش ناصرالدین حسین زاده، تهران: نامک.
– عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: گستره.
– عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج۳، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
– فخار تهرانی، فرهاد؛ فرامرز پارسی، امیر و بانی مسعود (۱۳۸۵)، *بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*، تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
– فوران، جان (۱۳۸۵)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویان تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمهٔ احمد تدین، تهران: رسا.
– *قضیه فی الواقعه* (۱۳۹۰)، رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

- *کتاب آبی* (۱۳۶۳)، *گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*، ج ۱ و ۲، به‌کوشش احمد بشیری، تهران: نو.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ۲ج، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی فرهنگی.
- کریمیان، علی (۱۳۸۵)، «اسنادی از مخالفان مشروطه (رحیم‌خان چلبیانلو)»، *گنجینه اسناد*، ش ۶۲.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیر کبیر.
- ـــــــ (۱۳۹۲)، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، تهران: نگاه.
- *کلمه حق یراد بها الباطل* (۱۳۹۰)، رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ج ۲، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۲۵۳۶)، *تاریخ انحطاط مجلس*، تصحیح محمود خلیل‌پور، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۱، ش ۱.
- ـــــــ، کارتن ۴، پرونده ۲، ش ۱۶.
- ـــــــ، کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش ۴.
- ـــــــ، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۱۰.
- ـــــــ، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۱۰.
- ـــــــ، کارتن ۴، پرونده ۲۳، ش ۳.
- ـــــــ، کارتن ۴، پرونده ۲۸، ش ۱.
- ـــــــ، کارتن ۵، پرونده ۱۱، ش ۶.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۱.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۲۵.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۲۶.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۲۸.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۳۲.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۴.
- ـــــــ، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۴۴.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من*، ج ۲، تهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: سخن.
- نوایی، عبدالحسین (۲۵۳۵)، *دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتم*، تهران: بابک.
- ویجویه‌ای، محمد باقر (۱۳۸۶)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]

– هدایت، مخبرالسلطنه، مهدیقلی (۱۳۶۳)، *گزارش ایران*، مقدمهٔ سعید وزیری، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران: نقره

– یزدانی، سهراب (۱۳۸۸)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی.

- Bloom, J. & Blair, SH (2009), *The Grove Encyclopedia of Islamic Art and Architecture*, Oxford: Oxford university press.

- Browne, Edward (1912), *The reign of terror at Tabriz*, Manchester: Taylor, Garnett, Evans & Co.

- Davenport-Hines R. P. T & Jones, Geoffrey (1989), *British Business in Asia Since 1860*, New York: Cambridge University Press.

- Elton L. Daniel, & ʻAlī Akbar Mahdī (2006), C*ulture and customs of Iran*, London: Greenwood.

- Helfgott, Michael (1994), *Ties that bind: a social history of the Iranian carpet*, Washington: Smithsonian Institution

- Ittig, Annette (1992), "Ziegler's Sultanabad carpet enterprise", *Iranian studies*, V.25, NO. 1-2.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.2.4]